



---

## معمای جذر اصم نزد حکمای دوره اصفهان

نویسنده: فرامرز قراملکی، احد

فلسفه و کلام :: خردنامه صدرا :: بهار 1377 - شماره 11

از 40 تا 45

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/588591>

دانلود شده توسط : زهرا سادات مدرسی

تاریخ دانلود : 1393/01/18 11:47:53

---

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.com](http://www.noormags.com)

## نزد حکمای دوره اصفهان

### دکتر احد فرامرز قراملکی

ارکان حوزه فلسفی اصفهان هستند و یا از آنها متأثرند، مورد نظر واقع شده‌اند.

طرح معمای جذر اصم در این حوزه ویژگیهای معرفتی و روش شناختی خاصی دارد:

یک - حکیمان این دوره وارث فرهنگ غنی دوره‌های پیشین هستند.

دانشمندان سلف از جاحظ و فارابی تا خفری و بخارایی، این معما را مورد تحلیل قرار داده و به تعبیر میرداماد «هرکس در تعبیر معما صورتی و تقریری را طرح کرده و در حل آن برون شدی و تدبیری را به میان آورده است»<sup>۴</sup>.

بررسی تطبیقی / تاریخی آراء پیشینیان، حکیمان دوره اصفهان را در شناخت عمیقتر معما و ابعاد آن تواناتر ساخته است.

پیش از این، بررسی تطبیقی / تاریخی معمای جذر اصم در حوزه شیراز به صورت سنت روشی در تحلیل این معما درآمده بود و حکمای اصفهان نیز به طریق آنها پایبند شدند.

دو - مواجهه و روی آورد حکیمان این دوره نه مانند متکلمان است و نه مانند منطق دانان سده هفتم. متکلمان براساس این انگاره که معمای جذر اصم ساختاری حقیقتاً تناقض آمیز دارد و لذا برون شدی از آن نمی توان یافت، آن

### چکیده:

طرح شبهه جذر اصم در حوزه فلسفی اصفهان مسبوق به تاریخ پرفراز و نشیب این مسئله نزد حکما و متکلمان پیشین است. مسئله در این دوره از جهات متعددی چون روی آورد حکما، تقریر شبهه و راه‌حلهای، ویژگیهای معینی دارد که آن را از دوره‌های سابق متمایز می‌کند. میرداماد از مؤثرترین حکمای این دوره، غیر از تک نگاره‌ای که در تحلیل معما نگاشته است در اثر بسیار معروف خود، «الافق المبین»، نیز به طرح مسئله پرداخته است.

غالب حکمایی که در این دوره به طرح معمای جذر اصم پرداخته‌اند به مدرسه ملارجبعلی تبریزی متعلقند. از ملاحظه شیرازی سخنی در خصوص معمای یاد شده یافته نشده است و پیروان وی کمتر علاقه‌ای به آن نشان داده‌اند. غیر از میرداماد، کسان دیگری چون مراد بن علی خان تفریسی، آقا حسین خوانساری، محمد بن عبدالفتاح تنکابنی، سید فضل‌الله استرآبادی و جیلانی اصفهانی در تحلیل معمای جذر اصم سخن گفته‌اند.

### ۱ - ویژگیهای طرح معمای جذر اصم در حوزه اصفهان

معمای جذر اصم که ساده‌ترین شکل آن گزاره «هر سخن من اینک دروغ است» می‌باشد در حالیکه گوینده آن تا سخنی دیگر نگفته باشد؛ تاریخ پرفراز و نشیبی در فرهنگ اسلامی دارد. گفتارهایی که نگارنده تاکنون در مجله وزین خردنامه صدرا ارائه کرده است، ماجرای معمای جذر اصم را نزد متکلمان<sup>۱</sup>، منطق دانان سده هفتم<sup>۲</sup> و حکیمان حوزه فلسفی شیراز<sup>۳</sup> گزارش کرده است. گزارش آراء و مواضع حکیمان دوره اصفهان، موضوع گفتار حاضر است و مراد از «حکیمان دوره اصفهان» صرفاً متفکران متوطن در اصفهان نیست، بلکه حکیمانی که یا

۱ - فرامرز قراملکی، احد. «معمای جذر اصم نزد متکلمان»، خردنامه صدرا، ش ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۶۷-۷۳.

۲ - همو. «معمای جذر اصم نزد منطق دانان قرن هفتم»، خردنامه صدرا، ش ۷، بهار ۱۳۷۶، ص ۶۸-۷۹.

۳ - همو. «معمای جذر اصم در حوزه فلسفی شیراز»، خردنامه صدرا، ش ۴، تیرماه ۱۳۷۵، ص ۸۵-۸۰.

۴ - میرداماد، الافق المبین، نسخه خطی متعلق به دانشکده الهیات دانشگاه تهران، به شماره ۱۵۲۸۴، ص ۲۵.

را ابزاری کرده‌اند در ابطال نظریات رقیب. در میان منطق دانان، فارابی نیز چنین موضعی دارد و بر آن است که معمای جذر اصم قیاس مؤلف از مقدمات متقابل است و ارسطو نظریات رقیب را با ارجاع به آن نقد کرده است.<sup>۵</sup>

منطق دانان قرن هفتم، معما را متضمن تناقض نمی‌دانستند بلکه آن را موهم تناقض می‌انگاشتند. موضع منطق دانان در مواجهه با آن موضع منطقی بوده است. آنها معمای جذر اصم را در فن مغالطه طرح می‌کردند و با به کار بردن مهارت منطقی خود به تحلیل آن می‌پرداختند و به همین جهت کمتر تحلیلهای فلسفی و فرامنتقی به میان می‌آمد.

روی آورد حکیمان دوره اصفهان از گونه‌ای دیگر است آنها برخلاف متکلمان معما را دارای ایهام تناقض و نه حقیقتاً تناقض یافتند، ولی برخلاف منطق دانان سده هفتم با روی آورد کلامی / فلسفی به تحلیل مسئله پرداختند و به همین دلیل، تحلیلهای فلسفی و فرامنتقی فراوانی را به میان آوردند. آنها شبهه جذر اصم را در تحلیل مناط صدق قضایا به ویژه قضایای حقیقیه مطرح کردند: اگر براساس نظریه مطابقت با واقع،<sup>۶</sup> صدق قضایای حقیقی، مطابقت آنها با نفس الامر است، صدق گزاره «کل کلامی فی هذه الساعة» را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ صدق این گزاره مستلزم کذب آن است و کذب آن مستلزم صدقش است. در پرتو چنین معمایی است که مفهوم نفس الامر - مطابق قضایای حقیقی - تفسیرهای گوناگونی یافته و از نظریه عقل مفارق خواجه نصیرالدین طوسی<sup>۷</sup> تا «ظرف اعتباری مطلق ثبوت و تحقق» علامه طباطبائی<sup>۸</sup> رسیده است.

سه - در حوزه فلسفی اصفهان تنها به طرح این معما بسنده نشده است و معماهای دیگری نیز صورت بندی شده است و در مواردی شبهه و معمایی نوین طراحی شده و مورد بحث قرار گرفته است، مانند شبهه المركب که توسط محمد بن حسن شروانی (متوفی ۱۰۹۸ ه. ق.) از پیروان مدرسه فلسفی ملا رجبعلی تبریزی صورتبندی شد و توسط معاصر وی، محمد هادی فرزند معین‌الدین محمد شریف

شیرازی مورد نقادی قرار گرفت و شروانی نقدوی را پاسخ گفت و شریف شیرازی پاسخ وی را مجدداً نقد کرد.<sup>۹</sup>

**چهار - سنت تک نگاره نویسی در خصوص معمای جذر اصم** که از حوزه فلسفی شیراز آغاز شده است، در این حوزه نیز تداوم یافته است. «قسطاس فردیه» میرداماد، «کدالقم فی حل شبهة جذر الاصم» شیخ محمد علی بن ابیطالب جیلانی (متوفی ۱۱۸۱ ه. ق.) معروف به زاهدی اصفهانی و «رسالة فی حل شبهة جذر الاصم» محمد سراب تنکابنی (متوفی ۱۱۲۴ ه. ق.) نمونه‌هایی از این تک نگاره‌ها است.

**پنج - تأکیدی که منطق دانان قرن هفتم در خصوص فن مغالطه از جهت کاربردی کردن آن داشتند، نزد حکمای حوزه اصفهان نیز تداوم پیدا کرد.** در این دوره، دانشمندان معماهای منطقی را جمع‌آوری و طبقه‌بندی کردند و آنها را به صورت رساله‌های تک نگاره پرداختند.

این رساله‌ها موضوع شرح، حاشیه و درس و بحث قرار گرفت. «رسالة مغالطات» فضل‌الله استرآبادی نمونه‌ای از این رساله‌ها است. بخارایی نیز رساله «المغالطات الغریبه»<sup>۱۰</sup> را پرداخت که توسط فرزند وی شرح یافت و موضوع درس قرار گرفت.<sup>۱۱</sup> در غالب این رساله‌ها، معمای جذر اصم جایگاه خاصی دارد.

## ۲ - حکیمان صاحب موضوع در این موضوع

حکیمانی که در تحلیل معمای جذر اصم در حوزه فلسفی اصفهان سخن گفته‌اند، فراوان هستند. میرداماد، مراد بن علی خان تفریسی، آقا حسین خوانساری، میر فضل‌الله استرآبادی، محمد سراب تنکابنی، جیلانی اصفهانی، شروانی و ملاعبدالله جیلانی بارهوی از کسانی هستند که در این موضوع به تفصیل سخن گفته‌اند.

۵ - ابونصر فارابی، المنطقیات، حقیقها و قدم لها، محمد تقی دانش پژوه، المجلد الاول (قم، ۱۴۰۸ ه. ق.)، ص ۲۴۶.

6 - Correspondence theory of truth.

۷ - فرامرز قراملکی، احد. «برهان حقایق نفس الامری و معمای جذر اصم»، مقالات و بررسیها، ش ۶۲، ۱۳۷۶، ص ۶۹-۵۹.

۸ - طباطبائی علامه محمدحسین. نه‌ایة‌الحکمة، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲، ص ۱۵.

۹ - نسخه‌ای از مجموعه این رسائل که در زمان حیات هر دو دانشمند به خط محمد امین کشمیری کتابت شده است به وسیله آقابزرگ تهرانی از کتابخانه میرزا نصرالله شبستری، دام‌عزه‌العالی، گزارش شده است (ر.ک. الذریعه، ج ۱۱ ص ۱۵۳، ش ۹۷۰).

۱۰ - نسخه خطی این رساله به شماره ۲۲.۲۱ به کتابخانه آستان قدس رضوی متعلق است.

۱۱ - دو نسخه خطی این رساله به شماره ۱۲۱۴۵ و ۱۱۰۴ به کتابخانه آستان قدس رضوی متعلق است.

● میرداماد، غیر از تک نگاره‌ای که در تحلیل معمای جذر اصم نگاشته است در اثر بسیار معروف خود، الافق المبین، نیز به طرح مسئله پرداخته است.

فیلسوف معروف در مدرسه ملارجبعلی تبریزی (د. ۱۰۷۰) تربیت یافته است.<sup>۱۷</sup> وی در حواشی خود بر حاشیه قدیم دوانی بر شرح جدید (قوشچی) تجرید الاعتقاد به طرح این معما پرداخته است. اگر چه دوانی در حاشیه قدیم معما را طرح نکرده است اما خوانساری می‌گوید: به دلیل اینکه محشی در حاشیه جدید آن را طرح کرده است،

● **فارابی بر آن است که معمای جذر اصم قیاس مؤلف از مقدمات مستقابل است و ارسطو نظریات رقیب را با ارجاع به آن نقد کرده است.**

نیکو است که ما نیز به آن پردازیم.

وی تمام مباحث دوانی در حاشیه جدید را گزارش می‌کند و آنگاه راه حل دوانی در گشودن معما را مورد نقادی قرار می‌دهد. خوانساری پس از نقد موضوع دوانی، راه حل خود را ارائه می‌دهد که در واقع ترمیم و بازسازی راه حل دوانی است. وی در حواشی المحاکمات بین شرحی الاشارات تصریح می‌کند که بهترین راه حل معمای جذر اصم، پاسخ دوانی است.

خوانساری در انتهای گفتار خود به گزارش و نقد دو راه حل علامه خفری و نیز دو راه حل یکی از معاصران خود پرداخته است.<sup>۱۸</sup> نگارنده پیش از این، راه حل خوانساری را گزارش کرده است.<sup>۱۹</sup>

۵ - محمد بن عبدالفتاح تنکابنی مازندرانی مشهور به محمد سراب (متوفی ۱۱۲۴) تک نگاره‌ای در معمای

۱- میرداماد. حکیم استرآبادی ملقب به «معلم ثالث» (د. ۱۰۴۱) که استاد و مراد ملاصدرای شیرازی بوده است، مبنای خاصی در گشودن معمای جذر اصم دارد. وی چنانکه خود در الافق المبین یاد آورده شده است، تک نگاره‌ای در حل معمای جذر اصم پرداخته است. البته اثری از این تک نگاره در فهرستها و یادنامه‌های مربوط پیدا نشد.

موضوع وی را در الافق المبین نیز می‌توان یافت. دیدگاه میرداماد در تحلیل این معما به دلیل اهمیت و تأثیر وی؛ در گفتاری مستقل ارائه خواهد شد.

خلاصه برون شدی که میرداماد ارائه می‌دهد، تأملی است در کیفیت خودارجاعی و خودستیزی جمله «کل کلامی کاذب». وی با تفکیک دو حیثیت در این گزاره به حل معما پرداخته است: خودارجاعی این گزاره، یعنی اینکه خود گزاره، فردی از موضوع خود و حتی تنها فرد آن باشد و حکم خود بر خود سرایت کند، وقتی است که گزاره را بدون خصوصیت محمول آن لحاظ کنیم اما بالحاظ آن، خودارجاعی گزاره منتفی می‌شود و لذا با توجه به ویژگی محمول این گزاره نه از صدقش، کذبش لازم می‌آید و نه کذبش مستلزم صدقش می‌گردد.<sup>۱۲</sup>

۲- مرادبن علی خان تفریسی (۹۶۵-۱۰۵۱ ه. ق.) در دو اثرش به تحلیل معما پرداخته است. وی تک نگاره‌ای در این خصوص نگاشته که آن را پایان بخش کتاب «الانفعالیه» قرار داده است.<sup>۱۳</sup>

همچنین در «انموذج الموسوی» نیز از شبهه جذر اصم بحث کرده است.<sup>۱۴</sup> مولی تفریسی از شاگردان شیخ بهایی و میرزا ابراهیم همدانی است.

۳- میر فضل الله استرآبادی فرزند سید محمد کیا حسینی معاصر با حکومت شاه طهماسب صفوی و از شاگردان شیخ احمد اردبیلی (د. ۹۹۳). وی رساله‌ای در حل مغالطه‌های منطقی دارد. رساله مشتمل بر یک مقدمه و سه باب است که در مقدمه تعریف مغالطه و طبقه‌بندی معروف اسباب مغالطه را بیان می‌کند و آنگاه مغالطه‌های منطقی رایج را در یک طبقه‌بندی سه گانه موضوع سه باب رساله قرار می‌دهد. یازدهمین مغالطه در باب دوم شبهه جذر اصم است. وی تقریر ساده «کل کلامی فی هذه الساعة کاذب» را به میان آورده و هفت راه حل پیشینان را بدون ذکر نام صاحبان آن آراء گزارش و نقادی کرده است. در این رساله نه تنها راه‌حلی از نویسنده یافت نمی‌گردد بلکه اساساً پیشرفتی نسبت به طرح مسئله در حوزه شیراز نیز دیده نمی‌شود.<sup>۱۶</sup>

۴ - آقا حسین خوانساری (۱۰۱۶-۱۰۹۸/۹) فقیه و

۱۲ - الافق المبین، ص ۲۵.  
 ۱۳ - الذریعه، ج ۲، ص ۴۰۱، ش ۱۶۰۸.  
 ۱۴ - همان، ص ۴۰۸، ش ۱۶۳۲.  
 ۱۵ - در خصوص احوال و آراء استرآبادی مراجعه کنند به: آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه؛ احیاء الدائر من القرن العاشر، تحقیق علی نقی منزوی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۸۱ و سید محسن امین، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، دارالتعارف المطبوعات بیروت، ج ۸، ص ۴۰۱.  
 ۱۶ - فضل الله استرآبادی، رساله فی المغالطات، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۱۶۴۳/۷، نگارش به سده ۱۱.  
 ۱۷ - در خصوص احوال، آراء و آثار آقا حسین خوانساری ر. ک. امین سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۴۹-۱۴۸.  
 ۱۸ - آقا حسین خوانساری، فی حل شبهه جذر الاصم، مقدمه و تصحیح احد فرامرز قراملکی، خردنامه صدر، ش ۱۰، بهار ۱۳۷۷.  
 ۱۹ - فرامرز قراملکی احد. «آقا حسین خوانساری و معمای جذر اصم». خردنامه صدر، ش ۱۰.

● حکیمان دوره اصفهان برخلاف متکلمان  
 معما را دارای ایهام تناقض و نه حقیقتاً  
 تناقض یافتند، ولی برخلاف منطق دانان سده  
 هفتم با روی آورد کلامی / فلسفی به تحلیل  
 مسئله پرداختند. آنها شبهه جذر اصم را در  
 تحلیل مناط صدق قضایا به ویژه قضایای  
 حقیقیه مطرح کردند.

نیامده است. ۲۳

۸ - محمد بن حسین مشهور به فخرالدین الحسینی مؤلف رساله فی قواعد المناظر، نیز این معما را مورد بحث قرار داده و دو راه حل بر آن آورده است که مبتنی بر تفکیک دو جهت قضیه است یکی بر حسب خصوصیت و دیگری بدون توجه به خصوصیت.

۳ - تحلیل محمد سراب تنکابنی

محمد بن عبدالفتاح تنکابنی معروف به محمد سراب، فقیه، اصولی و حکیم شیعی است که در مدرسه فلسفی ملارجعلی تبریزی تربیت یافته ۲۴ و در نیمه دوم دوره اصفهان می زیسته است. وی شاگرد میرزا محمد باقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) آقا حسین خوانساری (متوفی ۱۰۹۹)، ملامحمد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) و محمد بن حسن شروانی (د. ۱۰۹۸) است. ۲۵ بیش از سی رساله در معارف گوناگون تفسیر، کلام، فلسفه، فقه، اصول، منطق، و هندسه از وی گزارش شده است. ۲۶ وی تک نگاره‌ای در حل معمای جذراصم دارد که، به

جذر اصم دارد که در خصوص این رساله به تفصیل سخن خواهد رفت.

۶ - شیخ محمد علی فرزند شیخ ابیطالب جیلانی معروف به زاهدی اصفهانی (متوفی ۱۱۸۱) نیز تک نگاره‌ای در تحلیل معمای جذر اصم پرداخته است. نام رساله وی کدالقم فی حل شبهه جذرالاصم است که نباید آن را با رساله‌ای به همین نام از سید ظهور حسین هندی، از دانشمندان سده اخیر، اشتباه کرد که البته رساله دوم با عنوان الدرر المنتظم فی حل جذر الاصم چاپ شده است. ۲۰

۷ - شیخ عبدالله جیلانی از دانشمندان اواخر عهد صفویه در رساله‌ای که به گزارش و تحلیل نقادیهای آراء منطقی اختصاص دارد به طرح معمای جذر اصم پرداخته است. این رساله مشتمل بر ۴۴ تشکیک است. تشکیک بیست و سوم، نخستین تشکیک باب تصدیقات، معمای جذراصم است. وی شبهه را به عنوان رد جامعیت تعریف خبر «قول یصح أن یقال لقائله إنه صادق أو کاذب» ۲۱ طرح کرده و پاسخ گفته است. تقریر وی از معما، همان صورت ساده متداول در حوزه اصفهان است؛ اما روی آورد مؤلف به معما مانند سایر حکمای اصفهان نیست وی دو راه حل در گشودن معما ارائه کرده است، راه حل نخست را که تأملی در تعریف خبر است خود مخدوش و ضعیف دانسته و پس از اشاره به صورت تقویت شده معما، راه حل دیگری را ارائه می‌کند و آن را نیز با رمز «تأمل» که حکایت از محل تردید و تأملی بودن دارد به پایان برده است. وی اشاره کرده است که علاوه بر پاسخهای یاد شده، شش پاسخ دیگر نیز دارد. این رساله در مجموعه منطق و مباحث الفاظ چاپ شده است. ۲۲ نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه عمومی اصفهان وجود دارد که حاوی حواشی بسیار سودمندی از نویسنده است که متأسفانه در چاپ

۲۰ - الذریعة، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

۲۱ - این تعریف از آن بوعلی در الاشارات و التنبیهاات است (تصحیح محمود شهابی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹)، ص ۲۱.

۲۲ - منطق و مباحث الفاظ، مجموعه متون و مقالات تحقیقی، به اهتمام مهدی محقق و نوشی هیکو ایزوتسو، تهران، ۱۳۵۳، ص ۳۷۶-۳۷۷.

۲۳ - نسخه خطی، با حواشی منه رحمه الله، کتابخانه عمومی اصفهان ردیف ۱۰۰ رساله پنجم.

۲۴ - رک به: کرین هانری. تاریخ فلسفه اسلامی ترجمه جواد طباطبایی، (انتشارات کویر، تهران ۱۳۷۰)، ج ۲، ص ۱۶۴ و نیز: تهرانی آقا بزرگ، طبقات الاعلام الشیعه، قرن ۱۲، ص ۶۷۲.

۲۵ - طبقات الاعلام الشیعه، قرن ۱۲، ص ۶۷۲.

۲۶ - علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۵، کتاب الاجازات، ص ۹۶.

نظر نگارنده از جهت انتقال مباحث مربوط به این معما از حکیمان به اصولیان متأخر، حائز اهمیت فراوان است. مؤلفان گرانقدر اعیان الشیعه<sup>۲۷</sup> و طبقات اعلام الشیعه<sup>۲۸</sup> که در خصوص تنکابنی سخن گفته‌اند به این اثر اشاره‌ای نکرده‌اند، اما برخی از گزارش کنندگان زندگی وی به آن اشاره کرده‌اند.<sup>۲۹</sup>

تاکنون تنها یک نسخه از این رساله شناسایی شده است که به کتابخانه اهدائی مرحوم مشکوة به دانشگاه تهران تعلق دارد.<sup>۳۰</sup>

دیگری را نیز مورد توجه قرار می‌دهد که به منزله نقد بسیاری از راه‌حلهای ارائه شده در حوزه فلسفی شیراز قابل طرح است: جمله تام، یا خبر است یا انشاء. جمله «کل کلامی فی هذه الساعة کاذب» نه انشاء است و نه خبر. بنابراین تقسیم‌بندی جمله تام به خبر و انشاء، حاصر نیست.

وی در حواشی خود بر تقریر دوم به راه حل جرجانی اشاره می‌کند. جرجانی با تکیه بر اصل عدم ورود اشاره در مشارالیه بر آن است که گزاره کل کلامی کاذب، خود ارجاع نیست؛ زیرا این گزاره نمی‌تواند مصداقی از موضوع خود باشد. تنکابنی بدون آنکه به نام جرجانی اشاره کند به این

● **شیخ عبدالله جیلانی دو راه حل در گشودن معما ارائه کرده است، راه حل نخست را که تأملی در تعریف خبر است خود مخدوش و ضعیف دانسته و پس از اشاره به صورت تقویت شده معما، راه حل دیگری را ارائه می‌کند و آن را نیز با رمز «تأمل» که حکایت از محل تردید و تأملی بودن دارد به پایان برده است.**

#### الف) تقریر معما

تنکابنی در تقریر معما، نسبت به دیگر حکیمان دوره اصفهان دقتی وافر دارد. وی معمای دروغگو را با دو روایت ذکر می‌کند: روایت نخست، صورت تقویت شده معماست که نخستین بیان آن توسط کاتبی قزوینی به میان آمده است. براساس این روایت که آن را تقریر «غدی» و «امسی» نیز می‌خوانند، اگر کسی امروز بگوید: «آنچه فردا خواهیم گفت دروغ است» و فردا نیز بگوید «آنچه دیروز گفته‌ام راست است» و او در این دو روز سخنی دیگر نگوید در این صورت اجتماع صدق و کذب در جمله واحد لازم می‌آید. و آن مستلزم اجتماع نقیضین است.

تقریر دوم تنکابنی، صورت ساده و متداول معما است «هر آنچه در این ساعت می‌گویم باطل است». البته تنکابنی از سر دقت شرطی را بر این روایت می‌افزاید: اگر مراد گوینده این جمله از «هر آنچه می‌گویم» همین جمله باشد، در این صورت است که اجتماع نقیضین لازم می‌آید.

تنکابنی در بیان معمای جذر اصم، علاوه بر مشکل اجتماع صدق و کذب و به تبع آن اجتماع نقیضین، مشکل

توضیح بسنده، می‌کند: صحت اینکه این جمله می‌تواند مصداقی از موضوع خود باشد و اساساً مصداق موضوع قضیه می‌تواند در همین قضیه منحصر گردد، یعنی اینکه تنها مصداق موضوع قضیه خود گزاره باشد، بی‌نیاز از توضیح است. البته اصولیان متأخر بنا تمایز اعتبارات لاحق و سابقه خودارجاعی این قضیه را بیشتر تحلیل کرده‌اند و در واقع نشان داده‌اند که مدعای تنکابنی چندان هم بی‌نیاز از توضیح نیست.

۲۷ - اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۳۸.

۲۸ - طبقات الاعلام الشیعه، قرن ۱۲، ص ۶۷۳-۶۷۱.

۲۹ - سمائی حائری محمد، بزرگان رامسر، قسم، ۱۳۶۱، ص ۱۴۸-۱۳۲.

۳۰ - آغاز رساله چنین است «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة على خير خلقه وآله اجمعين ... شبهة مشهورة بشبهة جذرالاصم، تقریرها أن يقال...» و پایان آن چنین است، «هذا ما تيسر العبد الضعيف محمد بن الفتح في حل هذه الشبهة حرره في اواسط شهر جمادى الاولى في مشهور سنة سبع و تسعين بعد الالف...» این نسخه که توسط محمد بن حبیب گیلانی به سال ۱۱۰۵ و در زمان مؤلف و با حواشی منه مدّ ظله العالی کتابت شده است در مجموعه ۸۸۸ کتابخانه اهدایی مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که دفتر ششم مجموعه یاد شده برگ «۹۶ ب» تا «۹۹ الف» است.

## ب) حل معما

تنکابنی در حل معما دو تدبیر را به میان می‌آورد: راه حل نخست، نفی عمومیت تعریف خیر به صدق و کذب پذیری و انکار حاصریت تقسیم خیر به صدق و کذب است. چرا نتوان گفت که مفسم در تقسیم خیر به صادق و کاذب و معرف در تعریف خیر به صدق و کذب پذیری خیر متداول و شایع نزد توده مردم است. خیر رایج در زبان عرف یا صادق است و یا کاذب، این سخن به معنای نفی خیری که نه صادق باشد و نه کاذب، نیست.

تنکابنی با این توضیح بر آن است که سزا استلزام صدق گزاره یادشده، کذبش را در صدق و کذب ناپذیری آن بدانند. بسیاری از راه‌حلهای پیشینیان بر انکار صدق و کذب پذیری معماست. اما آنها در تفسیر اطلاق خبر بر آن، سخن روشنی ندارند. صدق و کذب ناپذیری قضیه «کل کلامی کاذب» را چگونه باید توضیح داد؟ بیان تنکابنی این است که در این مورد با خروج تخصصی روبرو هستیم و نه خروج تخصصی و نقض قانون عام منطقی. گزاره یاد شده خیر است اما نه از قسم اخباری که یا صادق است یا کاذب.

چنانکه روشن است تنکابنی در این پاسخ نسبت به بیان دوانی در *نهاية الكلام*، سخنی به غایت سست دارد. دوانی صدق و کذب ناپذیری معما را از طریق تفکیک ساختار صوری و محتوایی توضیح داده است.<sup>۳۱</sup> به همین دلیل تنکابنی به ارائه راه حل دیگری می‌پردازد که آن نیز متأثر از دوانی است.

از نظر وی آنچه در تعریف خیر به صدق و کذب پذیری به منزله ملاک معتبر است، احتمال صدق و کذب بر حسب نوع است با قطع نظر از خصوصیات فردی؛ اما با توجه به خصوصیات فردی آن ممکن است نه صادق باشد و نه کاذب. این راه حل که در اساس همان تمایز ساختار صوری / دستوری از ساختار معنایی دوانی است، بیان دیگری از تعبیر میرداماد نیز هست که در ابتدای این نوشتار ذکر شد.

وی سپس به گزارش و نقد برخی از بهترین راه‌حلهای پیشینیان پرداخته است. ابتدا بیان خواجه نصیرالدین طوسی در *نقد التثریل* (تعديل المعيار) مبتنی بر اصل تغایر خیر و مخبر عنه در صدق و کذب پذیری را آورده و بر راه حل خواجه طوسی دو انتقاد عمده وارد کرده است. انتقاد اول وی این است که راه حل خواجه طوسی بر صورت ساده شبهه ناظر است و از حل صورت تقویت شده آن (امسی و غدی) عاجز است. انتقاد دوم، بیان نمونه‌های نقضی است که اگر کسی گوید «هر سخن من اینک فارسی است» به شرط آنکه هیچ جمله دیگری نگفته باشد، جمله‌ای است خیری و صادق در حالیکه تغایر خیر و مخبر عنه وجود ندارد.

راه حل دیگر که مورد نقادی تنکابنی قرار می‌گیرد، بیان ابن کمونه است. ابن کمونه حصر قضیه در صادق و کاذب را، مطابق گزارش تنکابنی، انکار می‌کند و تمایز خبر از غیر خبر را به احتمال صدق و کذب می‌داند و نه اینکه بالفعل یا صادق است یا کاذب.

تنکابنی پاسخ ابن کمونه را بهتر از پاسخ خواجه طوسی یافته است و در تمایز راه حل خود نسبت به آن دو تنها به این نکته اشاره می‌کند که بدون آشنایی با آن پاسخها و حتی دیگر پاسخها با مبنای خاص خود به دفع شبهه پرداخته است. با توجه به اینکه دیدگاههای خواجه طوسی و تنکابنی پیش از این توسط نگارنده به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است از ذکر و توضیح آنها خودداری می‌شود. که در نهایت گزارش و نقادی از دو راه حل یکی از معاصران وی در پاسخ به هر دو تقریر معما پایانبخش رساله اوست. □

● از نظر تنکابنی آنچه در تعریف خیر به صدق و کذب پذیری به منزله ملاک معتبر است، احتمال صدق و کذب بر حسب نوع است با قطع نظر از خصوصیات فردی؛ اما با توجه به خصوصیات فردی آن ممکن است نه صادق باشد و نه کاذب.

۳۱ - دوانی جلال‌الدین، *نهاية الكلام في شبهة جذر الاصم*، مقدمه و تصحیح فرامرزی فراملکی، نامه مفید، ش ۵، سال ۱۳۷۵، ص ۹۷-۱۳۳.